

توسعه و تحول ساخت و ساز در بقیع بر اساس گزارش‌های تاریخی

عمار ابوطالبی*

چکیده

بررسی تاریخی ساخت و ساز در بقیع و توسعه و تحول آن یکی از موضوعات مهم مرتبط با بقیع است. این مقاله تلاش دارد با بررسی توصیف‌های ارائه‌شده از بقیع در منابع تاریخی و سفرنامه‌ها تصویر روشنی از این جنبه تمدنی بقیع ارائه دهد. ساخت و ساز در بقیع از دو منظر کمی و کیفی قابل بررسی است که ما فقط به توسعه کمی پرداخته‌ایم. توسعه کمی بقیع نیز در چندین مرحله صورت پذیرفته است؛ به گونه‌ای که ساختمان‌های موجود در بقیع از مسکونی به بقعه و بارگاه تغییر ماهیت داده و گنبد‌های بقیع نیز از سه مورد در قرن ششم به چهارده مورد در قرن یازدهم افزایش یافته است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد مسجد فاطمه علیها السلام (بیت‌الحرز) تنها ساختمان بقیع است که از قرن سوم تا قرن چهاردهم تقریباً به طور مستمر در بقیع وجود داشته است. کلمات کلیدی: بقیع، بقعه و بارگاه، گنبد‌های بقیع، بیت‌الاحزان

زمانی که پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه به دنبال جایی برای دفن اصحابشان بودند و به «بقیع الغرقد» امر شدند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۰۳)، این منطقه زمین مواتی در شرق مدینه بود (همانجا) که گاهی برای چرای حیوانات (مستوفی، ۱۳۶۴، ص ۱۹۰) یا قضای حاجت از آن استفاده می شد (بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۵۴۶). عثمان بن مظعون (د۲ق) اولین نفری است که با حضور پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بقیع دفن شد (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۰). هرچند اشخاص دیگری همچون رقیه (د۲ق)، فاطمه بنت اسد (د۴ق)، سعد بن معاذ (د۵ق) و ... در بقیع دفن شدند، اما مسلمانان هنوز امواتشان را در سایر مقابر مدینه نیز دفن می کردند تا اینکه پس از دفن ابراهیم در سال دهم هجری، این مکان رسماً به عنوان قبرستان مدینه برگزیده شد (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۱؛ خوارزمی، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۸)

پس از تسلط وهابیان بر حرمین شریفین و تخریب بناهای موجود در بقیع و قبرستان ابوطالب، موضوع ساخت و ساز در قبرستان‌ها مورد توجه اندیشمندان اسلامی قرار گرفته و آن را از منظر فقهی و کلامی واکاوی کردند.

به نظر می رسد بررسی تاریخی روند ساخت و تحول بناهای موجود در بقیع، تصویر شفاف تری از این مسئله در اذهان ایجاد نماید. خوانش منابع معتبر تاریخی نشان می دهد بقیع در طول تاریخ اسلام از جنبه های متعددی توسعه یافته که تحول در ساخت انبیه، یکی از آنهاست. برای پی جویی این موضوع که یکی از مهم ترین مظاهر تمدنی بقیع است، بحث را بر اساس قرون اسلامی سامان داده ایم و پس از گزارش توصیف های بقیع از مهم ترین کتاب هایی که به این موضوع پرداخته اند، آنها را جمع بندی، و نتیجه گیری کرده ایم. البته سایر منابعی که اطلاعات پراکنده ای از بقیع ارائه کرده اند نیز به تناسب، استفاده شده اند. بیشترین اطلاعات مورد نیاز در کتاب های تاریخ مدینه است. اما پس از قرن دهم که کتاب شاخصی در تاریخ مدینه نداریم، به سفرنامه های مشهور هر قرن استناد کرده ایم.

بررسی سازندگان و تعمیر کنندگان بقعه ها نیز موضوع قابل توجهی است که از حوصله این نوشتار خارج است. اما در یک دسته بندی کلی این افراد در سه دسته سازندگان بقعه ها، تعمیر کنندگان و توسعه دهندگان بناهای بقیع و تزیین کنندگان بقعه ها قابل دسته بندی هستند (ابوطالبی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۴، صص ۲۳۰-۲۲۰).

بقیع در طول تاریخ اسلام

گزارش وضعیت ساختمان‌سازی در بقیع در طول تاریخ اسلام بدین شرح است:

قرن اول و دوم

گفتیم که بقیع از سال دهم قمری قبرستان رسمی مدینه شد. از سوی دیگر در فاصله بین سال‌های دوم تا دهم قمری، با گسترش اسلام و افزایش شمار مسلمانان، مدینه به مرور گسترش یافت؛ به گونه‌ای که برخی مسلمانان، زمین موات بقیع را احیا کردند و آنجا ساکن شدند. در منابع تاریخی نیافتیم اولین بار چه کسی در بقیع خانه ساخته است، اما این منطقه با گذشت زمان به یکی از محله‌های مسکونی مدینه تبدیل شد که دفن اموات و ساخت خانه، همزمان با هم در آن انجام می‌شد. این خانه‌ها عمدتاً در غرب و جنوب غربی بقیع، یعنی حدود مزار صفیه، قبور ازواج پیامبر ﷺ و بقعه اهل بیت علیهم‌السلام بوده است؛ هرچند برخی افراد نیز در مناطق شرقی بقیع اسکان می‌یافتند (کعکی، ۲۰۱۲م، ج ۱، ص ۵۴۷). تعدادی از قریشیان ساکن مدینه نیز به مرور در بخشی از بقیع ساکن شدند که به محل سکونت آنها «منازل القریش» می‌گفتند (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۸۲). اسامی برخی ساکنان بقیع از هاشمیان و غیر ایشان در قرن اول و دوم از این قرار است:

۱. امیرالمؤمنین علیه‌السلام: ایشان دو خانه در مدینه داشتند: یکی بیت فاطمه علیها‌السلام در کنار مضجع شریف نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دیگری در بقیع که به صورت وقفی دست فرزندان امام حسن علیه‌السلام قرار داشته (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۲، ص ۲۱۱).
۲. عقیل: دار عقیل که وی در آن دفن شده (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۱). یکی از اماکن معروف و مهم بقیع است که قبور تعدادی از شخصیت‌های مدفون در بقیع را بر اساس آن آدرس می‌دهند.
۳. جعفر بن ابی طالب: دار جعفر بین دار ابورافع و دار اسما بنت عمیس بوده است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۳۰۶).

۴. محمد حنفیه: او در سال ۷۸ قمری به مدینه بازگشت و کنار مزار عثمان بن مظعون خانه‌ای ساخت (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۸۳). کنار این خانه در اوایل قرن سوم هجری به زباله‌دانی تبدیل می‌شود (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۰۴).
۵. زید پسر امام حسن علیه السلام: او در بنی‌جدیله (منطقه‌ای در غرب بقیع) خانه داشته است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۴۴).
۶. امام سجاد علیه السلام: بقعه اسماعیل و چاه و مسجد کنار آن، خانه امام زین‌العابدین علیه السلام بوده (مطری، ۱۴۲۶، الف، ص ۱۲۱). که در منطقه بَقَال در غرب بقیع قرار داشته است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۱۶۷).
۷. زید شهید: سمهودی (د ۹۱۱ق) از خانه‌ای متعلق به او در بقیع سخن گفته است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۳۰۶) که ظاهراً در غرب بقیع بوده (کعکی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۲)، اما مکان دقیق آن معلوم نیست. از آنجا که زید فرزند امام سجاد علیه السلام است، احتمال دارد این منزل همان خانه امام سجاد علیه السلام باشد یا اینکه وی در نزدیکی آن خانه، جایی برای خویش بنا کرده باشد. ابن زباله (د ۱۹۹ق) نیز گفته است عمر بن عبدالعزیز (حک - ۹۹ - ۱۰۱ق) خانه زید و خدیجه، فرزندان امام سجاد علیه السلام (مفید، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۵۶) را خرید و آن را به مقبره خانوادگی فرزندان خلیفه دوم تبدیل کرد (ابن زباله، ۲۰۰۳، ص ۲۰۸).
۸. حسین پسر زید شهید: وی برای تشکر از محبت امام صادق علیه السلام به او، سه چاه در مدینه حفر کرد و در بقیع نیز چند خانه ساخت (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۴۰۲). متأسفانه محل دقیق این منازل را نیافتیم.
۹. محمد پسر زید: دو جا برای او در بقیع ذکر شده است: یکی خانه او در شرق قبر ابراهیم و دار عقیل (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۲۷۰) و دیگری سقیفه‌اش در غرب دار عقیل و در مجاورت دار ابورافع و در منطقه بَقَال (ابن عساکر الدمشقی، بی‌تا، ص ۸۷). از آنجا که این سقیفه در منطقه بَقَال بوده است، احتمال می‌دهیم آن را در محل خانه زید بن علی بنا کرده باشند. در این صورت سایر خانه‌هایی که به عنوان سقیفه محمد بن زید معرفی شده‌اند نیز در محدوده بقعه اسماعیل خواهند بود.
۱۰. مقدار: او نیز مانند برخی دیگر از صحابه در مدینه دو خانه داشته که یکی از آنها در منطقه بنی‌جدیله در غرب بقیع (کعکی، ۲۰۱۲، ج ۱، ص ۵۵۴) بوده و به

«دار المقداد» شهرت داشته است (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۴۰). زمانی که پیامبر ﷺ زمین‌هایی را برای احیا و سکونت به اصحاب واگذار می‌کردند، ابی بن کعب از مقداد خواست که به منطقه آنها برود و پیامبر اعظم ﷺ نیز زمین این خانه را به او عطا کردند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۲۰). اما در منابع برای او خانه‌ای نیز در «اقصى البقیع» ذکر شده که در کنارش کوچه‌ای بوده و در انتهای آن کوچه، قبر سعد بن معاذ قرار داشته و بر فراز آن گنبد کوچکی بوده است. طبق نظر برخی از محققان معاصر، اقصی البقیع یعنی منطقه‌ای که جزو بقیع است و این کوچه نیز غرب به شرق بوده است (العیاشی، ۱۳۹۲، ص ۳۱۵). پس این خانه در منتھالیه شرقی بقیع قرار داشته است. گفتنی است بعدها به این خانه «دار ابن افلح» گفته‌اند (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۵).

۱۱. ابن افلح: ابن افلح غلام ابویوب انصاری است. وی بعد از فروش خانه ابویوب در قبله مسجدالنبی ﷺ به مغیره بن عبدالرحمن، این خانه را در بقیع خریداری کرد (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۶۰، ص ۷۳). احتمالاً این خانه همان خانه مقداد است که در شرق بقیع بوده است. گفتنی است در سال ۱۶۹ قمری تعدادی از شیعیان طرفدار حسین بن علی، شهید فخر، در این خانه جمع شدند و پس از مدتی همراه او قیام کردند (ابوالعباس الحسنی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۹). برخی منابع تعداد این افراد را تا هفتاد نفر نیز گفته‌اند (محلّی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۲۰).

۱۲. ابی نبیه: این خانه در غرب بقیع (غرب مسجد ابی بن کعب) و جای اطم بنی جدیله بنا شده است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۴۷۲). بین خانه ابی نبیه و خانه عقیل، کوچه‌ای قرار داشته که به کوچه نبیه معروف بوده است و مدفن صدیقه طاهره علیها السلام را آنجا معرفی کرده‌اند (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۵)؛ کما اینکه گفته شده قبور همسران پیامبر ﷺ از این خانه تا کوچه‌ای که به «بَقَال» می‌رفته، پراکنده بوده است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۱۶۷). کعکی نیز معتقد است این خانه در محدوده قبه ازواج و بقعه اهل بیت علیهم السلام قرار داشته است (کعکی، ۲۰۱۲، ج ۱، ص ۱۰۲).

۱۳. ابورافع: وی دوخانه داشته که اولی در بَقَال قرار داشته (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۱۶۷) و آن را از سعد بن وقاص خریده است. این خانه پایین خانه جعفر بن ابی طالب بوده است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۳۰۷). ابورافع که از اصحاب پیامبر ﷺ

و امیر المؤمنین علیه السلام است، اندکی پیش از آغاز جنگ جمل و در سن ۸۵ سالگی، خانه و زمین کشاورزی اش را در خبیر فروخت و به یاری امیر المؤمنین علیه السلام شتافت و تا پایان عمر ایشان در رکاب آن حضرت بود. پس از شهادت امیر المؤمنین علیه السلام همراه امام حسن علیه السلام به مدینه رفت و ایشان نیمی از خانه امیر المؤمنین علیه السلام را به او دادند (حسکانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵، صص ۶-۵).

۱۴. دار اسماء بنت عمیس: دار اسماء در شمال دار ابورافع و پایین سقیفه محمد بن زید قرار داشته است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۳۰۶). بنابراین ترتیب این خانه ها از شمال به جنوب چنین بوده است: سقیفه محمد بن زید، دار اسماء، دار جعفر بن ابی طالب و دار ابورافع. برخی معتقدند این خانه در ابتدای بقیع امروزی و نزدیک قبور بنات و ازواج پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشته و از سمت غرب به فضای ورودی مسجد ابی بن کعب مشرف بوده است (کعکی، ۲۰۱۲، ج ۱، ص ۱۰۱). اما به نظر ما این خانه ها در نزدیکی قبر اسماعیل بوده اند. سمهودی (۹۱۱ق) نیز معتقد است خانه این سه نفر در کنار هم و در منطقه «بَقَال» در غرب بقیع بوده است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، صص ۳۰۶-۳۰۷).

۱۵. مغیره بن شعبه: خانه او در انتهای کوچه ای بوده که از مسجد النبی صلی الله علیه و آله به سمت بقیع می رفته است (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۶).

۱۶. زید بن ثابت و عتبه بن غزوان: این دو در بقیع خانه داشته اند (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، صص ۷۰-۶۹).

۱۷. ضمیره بن سعد: او نیز در بقیع خانه داشته است (مغلطای بن قلیج بن عبد الله البکجری، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۴۱).

۱۸. طلحه: طلحه از قبیله بنی البحتری است که در منطقه «بَقَال» (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۱۶۷) در بنی جدیله در غرب بقعه ازواج النبی خانه داشته (کعکی، ۲۰۱۲، ج ۱، ص ۱۰۱).

۱۹. ام سلیم: وی همسر ابی طلحه و مادر انس بن مالک است و این خانه، همان خانه ابی طلحه است (کعکی، ۲۰۱۲، ج ۱، ص ۹۷).

۲۰. سعید بن عثمان: خانه او روبروی قبر ابراهیم بوده است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۲۷۰).

۲۱. نافع غلام ابن عمر: خانه او تقریباً در متنهالیه شرقی بقیع، نزدیک مسیر بنی قریظه (اسکندری، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۲) بوده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۶۱، ص ۴۳۶).
۲۲. سعد بن ابی وقاص: وی در بقیع خانه‌ای داشته که آن را به ابورافع فروخته است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۱۶۷).
۲۳. عبیدالله بن عباس: وی مدتی در بقیع ساکن بوده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۷۷).
- این بیست و چند نفر تنها بخشی از کسانی هستند که در دو قرن اول هجری در بقیع خانه داشته‌اند. از سوی دیگر هم‌زمانی ساخت و ساز در بقیع و تدفین اموات در آنجا، به گونه‌ای بوده که گاهی مدفن برخی مشاهیر صدر اسلام را با این خانه‌ها می‌شناختند و در مواقعی نیز خانه برخی اشخاص را با قبر کنارش می‌شناختند؛ مانند:
- مزار صدیقه طاهره رضی الله عنها گوشه جنوبی دارعقیل (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۵).
 - قبر ابراهیم (د ۱۰ق) کنار خانه عقیل (ابن نجار، ۲۰۰۶، ص ۴۶۰).
 - قبر صفیه عمه پیامبر صلی الله علیه و آله و مادر زبیر، کنار ورودی خانه مغیره بن شعبه (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۶).
 - قبر عبدالرحمن بن عوف (د ۳۲ق) در شرق دار عقیل (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، صص ۱۱۶-۱۱۵).
 - قبر سعد بن ابی وقاص (د ۵۵ق) در شمال شرقی دار عقیل (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، صص ۱۱۶-۱۱۵).
 - قبر زینب بنت جحش (د ۲۰ق) بین خانه عقیل و محمد بن حنفیه (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۸۶).
 - قبر ابوسفیان حارث داخل خانه عقیل (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۴۰).
 - خانه محمد بن حنفیه کنار قبر عثمان بن مظعون (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۱).
 - خانه سعید بن عثمان روبه‌روی قبر ابراهیم (ابن نجار، ۲۰۰۶، ص ۴۶۰).
- علاوه بر این گاهی برخی قبور داخل خانه افراد بوده مانند قبر ام حبیبه داخل خانه عقیل (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۰). البته در مواردی مشخص نیست ابتدا افرادی دفن شده‌اند و بعد روی قبور آنها خانه ساخته شده است یا اینکه آنها را داخل خانه دفن کرده‌اند.

قرن سوم

هر چند در گزارشی آمده است که قبیله بنی حرب در اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم با کوچ به مدینه، قبیله بنی حارث و بنی مالک را از منطقه بقیع که محل سکونتشان بوده است اخراج کردند و خودشان در آنجا ساکن شدند (ابن حانک، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۷۱)، اما تنها ساختمان گزارش شده بقیع در این قرن، مسجدی است که به آن قبر فاطمه علیها السلام می گفتند (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۳).

قرن چهارم

بر اساس توصیفات ارائه شده از بقیع، در این قرن کسی در بقیع ساکن نبوده و قبور نیز گنبد و بارگاه نداشته است و تنها ساختمان بقیع در این قرن، مسجدی است مقابل مزار امام حسن علیه السلام که امیرالمؤمنین علیه السلام آنجا بر پیکر حضرت فاطمه علیها السلام نماز اقامه کرده اند (الجاسر، ص ۳۵۴). به عقیده نگارنده این مسجد همان مسجد فاطمه علیها السلام است.

قرن پنجم

در اوایل این قرن قبور بزرگان بقیع، گنبد و بارگاه نداشته و تنها ساختمان بقیع، مسجدی بوده است که آن را مسجد فاطمه علیها السلام می خواندند و به زائران سفارش می شد که حتماً در آنجا نماز اقامه کنند (غزالی، بی تا، ج ۳، ص ۴۷۴). بر اساس گزارش دیگری از بقیع در سال ۵۲۸ قمری (خامه یار، بی تا) کماکان قبور بقیع گنبد و بارگاه نداشته اند (الاستبصار فی عجائب الأمصار، بی تا، ص ۴۲). طبق گزارش عبدالجلیل قزوینی (د ۵۶۶ق) در اواخر این قرن تغییرات مهمی در بقیع رخ داده است. مجدالملک براوستانی قمی (د ۴۹۲ق) روی مزار اهل بیت علیهم السلام قبه ای بنا می کند و برای عثمان نیز یک چهارطاقی می سازد (عبدالجلیل قزوینی، ۱۳۵۸، صص ۸۲ و ۲۱۹). با توجه به گزارش بقعه ابراهیم در سال ۵۵۲ق، به نظر می رسد این قبه نیز به دست همو بنا شده است. مجدالملک که او را به صفات نیکو و تدین ستوده اند، در سال های ۴۸۸-۴۹۲ قمری وزیر برکیارق (د ۴۹۸ق) بود. وی در سال ۴۹۲ قمری به قتل رسید (کاتب، ۱۴۲۵، ص ۲۳۹).

قرن ششم

ابن مازه (د. ۵۶۶ق) در سفرنامه *مناسک لطائف الاذکار* که به سال ۵۵۲ قمری نگاشته شده، برای اولین بار سه قبه اهل بیت علیهم السلام، ابراهیم و عثمان را در بقیع گزارش کرده است. وی علاوه بر این سه قبه از مسجد فاطمه علیها السلام نزدیک مزار امام حسن علیه السلام و خانه امیرالمؤمنین علیه السلام در بقیع سخن گفته و به زائران توصیه کرده است که در این دو مکان نماز اقامه کنند (ابن مازه، ۱۳۹۲، صص ۲۰۸-۲۰۷).

یکی از اتفاقات مهم این قرن، بنای گنبد اسماعیل به دست حسین بن ابی‌الهیجاء در سال ۵۴۶ قمری است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۳۰۶) که تقریباً به مدت دو قرن وجود آن در مدینه با سانسور منابع تاریخی یا سفرنامه‌ها مواجه شده است.

ابن جبیر در سال ۵۸۰ قمری در بخشی از سفرنامه‌اش با عنوان *ذکر المشاهد المکرمة التي بقیع الغرقد و سفح جبل أحد* به توصیف بقیع و أحد پرداخته است که نشان می‌دهد بسیاری از قبور بقیع، همچنان گنبد و بارگاه نداشته‌اند (ابن جبیر، ۲۰۰۸، صص ۱۵۵-۱۵۴). وی پس از توصیف و معرفی مزار شخصیت‌های مدفون در بقیع از مکانی پشت قبه اهل بیت علیهم السلام با عنوان «بیت الحزن» نام می‌برد که به عقیده او صدیقه طاهره علیها السلام پس از رحلت پدرشان در آنجا سکونت و اقامه حزن داشته‌اند. نکته مهم این گزارش، معرفی گنبد مالک است که در فاصله سال‌های ۵۵۲-۵۸۰ قمری بنا شده است.

الاشارات الی معرفة الزیارات که در ربع پایانی این قرن نگاشته شده، چیز جدیدی بر توصیفات ابن جبیر نیفزوده؛ مگر آنکه برای اولین بار از مسجد فاطمه علیها السلام بانام بیت الاحزان یاد کرده است (هروی، بی‌تا، صص ۸۱-۸۰).

قرن هفتم

الدرة الثمينة فی اخبار المدینة یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین منابع تاریخ مدینه است که در اوایل قرن هفتم نوشته شده و منابع بعدی تاریخ مدینه بسیار به آن استناد کرده‌اند. ابن نجار (د ۶۴۳ق) در باب هفدهم این کتاب با نام «فی ذکر البقیع و فضله» به بیان فضایل و توصیف این مقبره پرداخته است (ابن نجار، ۲۰۰۶، صص ۴۶۳-۴۵۴).

وی پس از توصیف بقعه اهل بیت علیهم السلام، برای اولین بار از گنبد‌های عقیل و فاطمه بنت اسد سخن گفته و از آنجا که وی در سال ۶۰۷ قمری به حرمین سفر کرده است (انصاری، بی تا) قاعدتاً این دو گنبد در اواخر قرن ششم یا اوایل قرن هفتم بنا شده‌اند.

تحاف الزائر که برخی آن را *تحفة الزائر* یا *التحفة* هم گفته‌اند، در سال ۶۷۸ قمری به دست ابن عساکر (د ۶۸۶ق) نوشته شده است. این کتاب اولین نگاشته مستقل درباره زیارت است که به آداب زیارت و برخی بدعت‌های آن عصر پرداخته است. *تحاف الزائر* نیز از جمله کتاب‌های پراستناد در تاریخ مدینه است. ابن عساکر با عبارت «فصل ینبغی للزائر ان یشهد الصلاة کلها فی مسجد رسول الله» مباحث مربوط به بقیع را آغاز کرده است (ابن عساکر الدمشقی، بی تا، ص ۸۴) اما مطلب جدیدی نسبت به ابن نجار ندارد که نشان می‌دهد بقیع تا این تاریخ تغییری نداشته است.

رحلة العبدی نیز سفرنامه حج عبدی است که در سال ۶۸۸ قمری نگاشته شده و مطلب جدیدی درباره بقیع ندارد (عبدی، ۱۴۱۹، صص ۴۲۳-۴۲۲). بدین ترتیب بقیع از ۶۰۷ تا ۶۸۸ قمری تغییری نداشته است.

قرن هشتم

الروضة الفردوسية و الحضرة القدسية مهم‌ترین تک‌نگاری درباره بقیع است که در سال ۷۱۸ قمری به دست محمد بن احمد آق شهری (د ۷۳۹ق) نگاشته شده و درباره تاریخ مدینه و ترجمه برخی اعیان و بزرگان آن است. فصل سوم این کتاب با عنوان «الفصل الثالث فی زیارة أهل بئته و اولاده و اقربائه بالبقیع و بجبل احد و کیفیة السلام علیهم و الدعاء لهم و التوسل بهم» به معرفی مدفونان بقیع و نحوه سلام به ایشان اختصاص دارد (آقشهری، ۲۰۱۰، ج ۱، صص ۲۷۸-۲۴۹). وی این فصل را با آداب و روز زیارت بقیع آغاز کرده و قبوری را که شایسته است در بقیع زیارت شود، به ترتیب، قبور ابراهیم، صفیه، امام حسن علیه السلام و عباس، عقیل، عثمان و قبور همسران پیامبر معرفی کرده است.

او نیز مانند ابن عساکر معتقد است غیر از این هفت قبر، مزار شناخته شده دیگری در بقیع وجود ندارد. یکی از نکات جالب توجه کتاب مزبور این است که به ترتیب برای ابراهیم، صدیقه طاهره علیها السلام، عثمان، امام حسن، امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام، عباس، صفیه، عقیل، فاطمه بنت اسد و مالک، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، شهدای احد، حضرت حمزه و شهدای حره، زیارتنامه‌های مستقلی نقل کرده است. وی به ساختمان‌ها یا گنبد‌های بقیع هیچ اشاره‌ای ندارد.

تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار نتیجه ۲۷ سال جهانگردی ابن بطوطه (د ۷۷۹ق) است که در سال ۷۲۵ قمری با حرکت به سوی مکه آغاز شد. وی در جلد اول سفرنامه‌اش ذیل عنوان «ذکر بعض المشاهد الکریمه بخارج المدینة الشریفه» بقیع و بقعه‌های آن را توصیف کرده است (ابن بطوطه، ۱۴۱۷، ج ۱، صص ۳۶۱-۳۶۰). وی نه تنها نسبت به منابع قبل از خودش مطلب جدیدی در موضوع ما ندارد، بلکه از معرفی یا توصیف مسجد فاطمه علیها السلام و بقعه اسماعیل نیز خودداری کرده است.

تاج المَفرق فی تحلیه علماء المشرق سفرنامه‌ای مغربی است که در سال ۷۴۰ قمری به توصیف بقیع پرداخته است. خالد بن عیسی البلوی توصیف بقیع را با قبر صفیه شروع کرده و پس از گنبد‌های مالک، ابراهیم و عقیل، از مزار ازواج النبی صلی الله علیه و آله سخن گفته است. تاج المَفرق ۱۴۰ سال بعد از ابن جبیر اولین کتابی است که به مکانی مخصوص فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده و برای اولین بار آن را متعلق به سه نفر از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده است. او در توصیف بقعه اهل بیت علیهم السلام و صندوق روی قبور ایشان، قبر عباس را سمت راست امام حسن علیهم السلام معرفی کرده است: «رأس الحسن علیهم السلام الی رجلی العباس». گزارش البلوی از بقیع با توصیف گنبد عثمان و فاطمه بنت اسد پایان می‌یابد (بلوی، بی تا، ج ۱، صص ۲۸۸-۲۸۹). بنابراین می‌توان گفت در فاصله سال‌های ۶۰۷ تا ۷۴۰ قمری هیچ تغییری در بقیع رخ نداده است. گفتنی است در سال‌های ۵۸۰ تا ۷۴۰ قمری، هیچ یک از منابع به مسجد فاطمه علیها السلام اشاره نکرده‌اند.

التعريف بما أنست الهجرة من معالم دار الهجرة یکی دیگر از منابع این عصر است که همانند الدرّة الثمینة از کتاب‌های مهم و مرجع تاریخ مدینه است. مطری (د ۷۴۱ق) در این کتاب ذیل عنوان «ذکر البقیع و ما ورد فی فضله و ذکر من یعرف من الصحابة و اهل البيت (علیهم السلام)» بعد از بیان مختصری از فضایل بقیع به توصیف این مکان پرداخته است (مطری، ۱۴۲۶، ص ۱۲۱-۱۱۵). وی که کوشیده قبور شناخته شده عصر خودش را معرفی نماید، این کار را با مزار امام حسن (علیه السلام) و عباس آغاز کرده و مدفن سایر ائمه (علیهم السلام) را نیز در مزار امام حسن (علیه السلام) دانسته است. وی سپس به معرفی گنبد‌های عقیل و ابراهیم و مدفونان داخل آنها پرداخته و برای اولین بار از دیوار سنگی کوتاه و دایره شکلی یاد کرده که گفته می‌شود مزار همسران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. او پس از آن به توصیف مقبره های عثمان، فاطمه بنت اسد، صفیه و مالک پرداخته است. بعد از ساخت گنبد اسماعیل در سال ۵۴۶ قمری مطری نخستین کسی است که بعد از حدود دو قرن به آن اشاره، و آن را ساخته فاطمیان معرفی کرده است. او اولین نفری است که از سازندگان (تعمیرکنندگان) قبه اهل بیت (علیهم السلام) و عثمان یاد کرده، کما اینکه برای نخستین بار از ساختمان مزار صفیه سخن گفته است. مطری در پایان می‌گوید در بقیع غیر از آنچه ذکر شد، قبر شناخته شده دیگری مربوط به سلف وجود ندارد.

تحقیق النصره بتلخیص معالم دار الهجرة یکی از منابع تاریخ مدینه است که ابوبکر مراغی (د ۸۱۶ق) در حدود ۷۶۷ قمری آن را نوشته است (مراغی، ۱۴۳۰، ص ۵۵). فصل سوم از باب دوم این کتاب بانام «فی ذکر البقیع و فضله و فضل من یعرف فیہ من الصحابة» به بقیع اختصاص دارد (همان، ۱۴۳۰، صص ۴۵۳-۴۶۲)؛ اما طبق اذعان خودش او بنا داشته بین مطالب ابن نجار و مطری جمع کند و اضافاتی نیز بر آنها بیفزاید (همان، ۱۴۳۰، صص ۹۵-۹۳)؛ لذا عمده مباحث و توصیفات او قبلاً ذکر شده است. مراغی تنها دو نکته اضافه بر اسلافش دارد: یکی معرفی سازنده گنبد عثمان و دیگری نقل روایتی از ابن زبale (د ۱۹۹ق) که بر اساس آن شخصی به نام حسن بن ابی قطیفه مأمور نظافت و رسیدگی به امور بقیع بوده و از بیت المال نیز برای او مقرری تعیین کرده بودند.

بهبجة النفوس و الأسرار فی تاریخ دار هجرة النبی المختار یکی دیگر از منابع تاریخ مدینه است که مرجانی (د ۷۷۰ق) آن را نوشته است. فصل سوم از جلد دوم این کتاب بانام «فی ذکر من یعرف بالبقیع من أهل البيت و الصحابة و غیرهم» به بقیع اختصاص دارد (مرجانی، بی تا، ج ۲، صص ۱۰۵۱-۱۰۰۱). او نیز مانند مراغی در تألیف کتابش از التعریف و الدررة الثمینیة بسیار بهره برده، هرچند در مواردی بر آنها افزوده است؛ مانند بحث‌های مفصلی درباره محل دفن صدیقه طاهره علیها السلام، ولادت و شهادت حسنین علیهم السلام و... اما در موضوع مورد بحث ما مطلب اضافه‌تری ندارد.

المغانم المطابة از کتاب‌های مرجع در تاریخ مدینه است که فیروزآبادی (د ۸۱۷ق) در حدود ۷۸۲ قمری آن را به نگارش در آورده است (فیروزآبادی، ۲۰۰۲، ج ۲، ص ۴۸۸). وی در جلد دوم کتابش تحت عنوان «ذکر المشاهد المعروفة المعینة بالبقیع» به توصیف بقیع پرداخته است (همان، ۲۰۰۲، ج ۲، صص ۵۱۵-۵۰۸). او با غیر مشخص شمردن قبور ازواج النبی صلی الله علیه و آله معرفی مقابر بقیع را آغاز کرده و پس از آن از روضه‌ی اهل بیت علیهم السلام و قبه ابراهیم و مدفونان مجاور ایشان سخن گفته است. عجیب است که او مدفن ابراهیم را بیت‌الحرز دانسته است. چهارمین قبر متعلق به صفیه است که گنبد مالک مقابل آن بوده است. وی آن‌گاه از قبه عقیل و روضه‌ای متعلق به سه نفر از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله سخن گفته است.

فیروزآبادی بعد از ذکر زیارتنامه‌ای برای عثمان، از قبر فاطمه بنت اسد نزدیک او خبر داده و به توصیف گنبد اسماعیل پرداخته است. وی تعیین مکانی به نام روضه ازواج را صحیح ندانسته و از مقبره خانوادگی خلیفه دوم نام برده و این بخش را با ذکر قبر صفیه به پایان برده است. این کتاب نیز در باب ساخت‌وساز در بقیع مطلب جدیدی ارائه نکرده و این بدان معناست که در این سال‌ها تغییر خاصی در بقیع رخ نداده است. مهم‌ترین نکته در توصیفات فیروزآبادی صحبت از بیت‌الحرز است؛ هرچند در تطبیق آن اشتباه کرده است. تقریباً به مدت دو قرن (از ابن جبیر به بعد) کسی از مسجد یا بیت فاطمه علیها السلام و یا مسجد بقیع سخن نگفته بود.

قرن نهم

إثارة الترغيب و التشويق الى المساجد الثلاثة و البيت العتيق. خوارزمی (د ۸۲۷ق)
فصل چهاردهم از جلد دوم کتابش را با عنوان «الفصل الرابع عشر فی ذکر زیارة البقیع»
به بقیع اختصاص داده (خوارزمی، بی تا، ج ۲، صص ۳۵۳-۳۴۷). او بعد از بحثی درباره
فضیلت بقیع، معرفی مقابر شناخته شده آن را آغاز کرده است. وی ابتدا از قبر عباس نام
برده و ائمه علیهم السلام را مدفون در یک قبر و سمت چپ قبر عباس بیان کرده و یکی دیگر از
سازندگان (تعمیرکنندگان) بقعه اهل بیت علیهم السلام را معرفی کرده است. سپس از قبه عقیل
که دعا در آن مستجاب است سخن گفته و سراغ قبه ابراهیم و مدفونان مجاور او رفته
و قبور ازواج النبی صلی الله علیه و آله را نیز محوطه ای با دیوار سنگی کم ارتفاع توصیف کرده است.
آن گاه به توصیف قبه عثمان و سازنده آن پرداخته و گنبد فاطمه بنت اسد در سمت شمال
قبه عثمان را کوچک توصیف کرده است. وی بعد از ذکر قبر صفیه کنار دروازه مدینه،
برای اولین بار از قبر عاتکه کنار او سخن گفته است. خوارزمی بعد از معرفی قبه مالک
از گنبد اسماعیل یاد کرده و گفته این ساختمان به دست برخی از حاکمان فاطمی بنا
شده است.

التحفة اللطيفة فی تاریخ المدینة الشریفة یکی از مهم ترین منابع تاریخ مدینه است
که محمد بن عبدالرحمن سخاوی (د ۹۰۲ق) آن را نگاشته است. او در ابتدای جلد
اول این کتاب که به احتمال زیاد در اواخر قرن نهم نگاشته شده، ذیل بخشی با عنوان
«و اما المشاهد التي بالبقیع» قبور معروف بقیع را با تعبیر «مشهد» یاد کرده و درباره
برخی از آنها توضیحاتی داده است. وی در ابتدا تصریح کرده که غیر از مشهد قطعی،
مشاهد ظنی را نیز معرفی می کند. سخاوی معرفی این قبور را از شمال شرقی بقیع و با
مزار فاطمه بنت اسد آغاز کرده و پس از آن از قبر عثمان سخن گفته است.

وی در معرفی قبه ابراهیم معتقد است علاوه بر تعدادی از صحابه، دختران
منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در آنجا مدفون اند. وی برای اولین بار از جایی به نام مشهد نافع
نام برده که صاحب آن بین دو نفر مردد است. سپس از مشهد مالک و عقیل و مدفونان

مجاور او یاد کرده و گفته در قبله قبر عقیل چهار قبر هست که گفته می‌شود مربوط به همسران پیامبر ﷺ است. سخاوی در ضمن سخن از گنبد عباس به برخی اقوال درباره مدفونان این قبه نیز اشاره کرده و با ذکر مشهد صفیه و اسماعیل، این بخش را به پایان رسانده است (شمس الدین محمد بن عبدالرحمن سخاوی، ۲۰۰۹، ج ۱، صص ۱۲۹-۱۲۷). یکی از مهم‌ترین نکات این کتاب معرفی مکان دقیق مسجد ابی بن کعب است (همان، ۲۰۰۹، ج ۱، ص ۱۱۷).

وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی. علی بن احمد سمهودی (د ۹۱۱ق) این کتاب را در آخرین دهه قرن نهم به رشته تحریر درآورده است. او فصل ششم از باب پنجم این کتاب را با عنوان «الفصل السادس فی تعیین قبور بعض من دفن بالبقيع من الصحابة و اهل البيت ﷺ و المشاهد المعروفة بالمدينة» به بقیع اختصاص داده است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، صص ۳۱۱-۲۶۸).

او که نسبت به اسلافش بهترین و جامع‌ترین توصیف را از بقیع ارائه داده، ابتدا به ۲۲ نفر از بزرگان صحابه و تابعین مدفون در بقیع اشاره و راجع به قبور هر کدام توضیح مختصری ارائه کرده است؛ آن‌گاه با عنوان «بيان المشاهد المعروفة اليوم بالبقيع و غيره من المدينة الشريفة» قبور معروف و شناخته‌شده عصر خودش را معرفی کرده است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۳۰۰).

سمهودی در ضمن توصیف قبه اهل بیت ﷺ و قبور داخل آن، نظر مطری در مورد سازنده این بنا را رد کرده و مشاهداتش از نوشته‌های روی قبر عباس و کتیبه داخل بقعه را بیان کرده و گفته است: بسیاری از امرای مدینه و نزدیکان آنها از اشراف مدینه نیز در این بقعه مدفون‌اند. طبق گزارش او در غرب این بقعه دو بنای دیگر نیز وجود دارد که یکی از آنها متعلق به ابن ابی‌الهیجاء، از وزیران فاطمیان، و دیگری مربوط به ابن ابی‌نصر، از اعیان و بزرگان اشراف مدینه است. در سمت شرق و البته کمی بافاصله از این بقعه، دو دیوار سنگی کم‌ارتفاع است که یکی از آنها متعلق به امیر چوپان، و دیگری مربوط به اعیان و بزرگانی است که پیکر آنها از خارج مدینه به بقیع منتقل و در آنجا دفن شده‌اند.

سمهودی برای اولین بار از گنبد چوبی مزار منسوب به ازواج النبی ﷺ و سازنده آن سخن گفته و به سراغ مشهد عقیل رفته و ضمن تشکیک در صحت این انتساب، آنجا را محل استجابت دعا و بخشی از خانه عقیل معرفی کرده است. او که مدفن دختران منسوب به پیامبر ﷺ را نزدیک عثمان بن مظعون می‌داند، صاحب مزار منسوب به فرزندان پیامبر ﷺ را نامشخص دانسته است. وی ضمن سخن از قبه ابراهیم و بیان مدفونان مجاور او با رد نظر فیروزآبادی که آنجا را بیت‌الاحزان خوانده بود، می‌گوید: بیت‌الاحزان همان مکان معروف به مسجد فاطمه علیها السلام در سمت قبله مشهد امام حسن علیه السلام است.

سمهودی بعد از معرفی مشهد صفیه سراغ بقعه عثمان رفته و به توصیف آن پرداخته است. او می‌گوید در این زمان در شمال غرب بقعه عثمان بنای مربعی هست که زن ام‌ولدی در آن مدفون است و کنار آن دیوار سنگی کم‌ارتفاعی هست که قبر همسر بعضی اتراک در آنجاست. دیوار سنگی دیگری نیز وجود دارد که خواهر محی‌الدین حنبلی، قاضی حرمین، در آن است. گفتنی است که این بنای مربعی کمی بعد به عنوان مزار حلیمه سعیدیه شناخته شد.

سمهودی سپس از مشهد فاطمه بنت اسد در جای دوری از بقیع سخن گفته و در صحت آن تشکیک کرده است. وی بعد از توصیف قبر مالک از گنبد کنار آن نیز که صاحبش مشخص نیست، یاد کرده است. او با توصیف مفصل قبه اسماعیل، این بخش را به پایان برده است. شاید مهم‌ترین گزارش سمهودی مربوط به توصیف خانه امیرالمؤمنین علیه السلام در بقیع باشد که از زمان ابن مازه (۵۵۲ق) دیگر کسی به آن اشاره نکرده است.

قرن دهم

الجوه‌ر المنظم فی زیارة القبر المکرم. ابن حجر هیتمی (د ۹۷۳ق) ذیل فصل هشتم تحت عنوان «استحباب زیارة البقیع» از این مکان سخن گفته است. وی بعد از بیان آداب زیارت بقیع، درباره فضیلت بقیع و زیارت قبور مشهور آن بحثی را ارائه کرده و آن‌گاه معرفی مقابر بقیع را به ترتیب فضیلتی که برای آنها قائل است، با قبر خلیفه

سوم آغاز، و تصریح کرده که او افضل مدفونان بقیع است و عباس، ائمه بقیع علیهم السلام و صدیقه طاهره علیها السلام، همگی در رتبه بعدی هستند. او سپس به ترتیب از ابراهیم، ابوسفیان حارث که قبر او به عقیل نسبت داده می‌شود و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، مالک و نافع یاد کرده و آن‌گاه از مزار فاطمه بنت اسد سخن گفته که به نظر او آنجا مدفن سعد بن معاذ است. حضور بر مزار صفیه، پایان بخش زیارت بقیع است. وی در مسیر بازگشت، قبه اسماعیل را نیز زیارت می‌کند (هیتمی، ۱۴۳۴، صص ۱۸۱-۱۷۹).

الدرر الفرائد المنظمة فی اخبار الحاج و طریق مكة المعظمة. عبدالقادر انصاری (د ۹۷۷ق) در باب ششم این کتاب ذیل بخشی با عنوان «ذکر بقیع الغرقد و ما ورد من فضله و من يعرف من الصحابة آل البيت علیهم السلام» به موضوع بقیع پرداخته است (انصاری الجزیری، ۱۳۸۴، صص ۶۴۵-۶۴۳). از آنجا که توصیفات وی از بقیع مطلب جدیدی ندارد، از شرح آن اجتناب کردیم.

اما نکته مهم در این گزارش، توصیف او از بقعه ازواج است. در حالی که سمهودی این قبور را دارای قبه خوانده بود، وی آن را محدودده‌ای با دیوار کوتاه سنگی معرفی کرده است. از آنجا که بعید می‌نماید در کمتر از یک قرن این بقعه به وضعیت سابق خود برگشته باشد، این احتمال تقویت می‌شود که توصیفات انصاری از روی مشاهده نبوده و او با نقل قول از گذشتگان به توصیف بقیع پرداخته است. آخرین کسی که از این دیوار کوتاه سنگی صحبت کرده، خوارزمی (د ۸۲۷ق) است. عدم ذکر قبه نافع، قبه بنات و بیت الاحزان این نظریه را تقویت می‌کند که وی مطالبش را از خوارزمی اقتباس کرده است.

تاریخ الخميس فی احوال انفس النفیس. دیار بکری (د ۹۸۲ق) ذیل حوادث سال یازدهم هجری بخشی دارد با عنوان «ذکر زیارة النبی و سائر المشاهد و المزارات بالمدينة» که در آنجا از بقیع و مدفونان آن سخن گفته است (دیاربکری، بی تا، ج ۲، صص ۱۷۷-۱۷۴). او نیز بعد از بیان برخی آداب زیارت بقیع، معرفی قبور مشهور بقیع را با قبه عثمان آغاز کرده و پس از آن از قبه اهل بیت علیهم السلام و دو ضریح شرقی و غربی

داخل آن سخن گفته است. وی پس از این قبه از قبر صفیه و فاطمه بنت اسد یاد کرده است. او ضمن طرح اقوال مدفن صدیقه طاهره علیها السلام یک قول را دفن ایشان در مسجد فاطمه علیها السلام - که به بیت‌الاحزان شهرت دارد - بیان کرده و گفته: مستحب است زائر به آنجا برود و در آن نماز بخواند. آن‌گاه از قبر ابراهیم و مدفونان مجاور او و قبر عقیل سخن گفته و دیوار سنگی منسوب به ازواج را از بین رفته توصیف می‌کند. قبر مالک، آخرین قبری است که او بدان اشاره می‌کند.

قرن یازدهم

الجواهر الثمينة فی محاسن المدنیة این کتاب حدود سال ۱۰۳۳ قمری به دست سید محمد کبریت الحسینی (د ۱۰۷۰ق) که از اشراف مدینه بود، نگارش یافته است. وی آخرین بخش این کتاب را تحت عنوان «باب فی ذکر بقیع الغرقد و معاهده و مزاراته و مشاهده» به بقیع اختصاص داده است (حسینی مدنی، ۱۴۱۷، صص ۲۰۵-۱۹۳).

الجواهر الثمینه بیش از آنکه کتاب تاریخی باشد، کتابی ادبی است و به هر مناسبتی اشعاری را نقل کرده است. سید کبریت بعد از بیان معنای لغوی و اصطلاحی بقیع، کمی در باب فضایل این قبرستان و آداب زیارت آن صحبت کرده است. وی توصیف بقیع را با ذکر قبور داخل بقعه اهلیت علیها السلام و توصیف آنها شروع کرده و پس از آن به توصیف گنبد ابراهیم پرداخته است. یکی از نکات مهم گزارش او آنجاست که وی مسجد البقیع را همان مسجد ابی بن کعب دانسته و آن را سمت راست کسی که از باب البقیع خارج می‌شود، معرفی کرده است.

عمدة الاخبار در سال ۱۰۳۵ قمری و به قلم عباسی به رشته تحریر درآمده است (عباسی، بی‌تا، ص ۹۷). او یک فصل از این کتاب را با عنوان «فصل فی ذکر مقبرة البقیع بالمدينة الشریفة و ما ورد فی فضلها و تسمیة المشاهد المعروفة و تغیر مواضعها و اهلها» به بقیع اختصاص داده است (همان، بی‌تا، صص ۱۳۳-۱۲۳). وی بعد از بیان فضایل بقیع به مدفونان آن اشاره کرده و ابتدا به قبه ابراهیم و مدفونان آن پرداخته و پس از صحبت از

قبه فاطمه بنت اسد در انتهای بقیع، آن را عاری از صحت دانسته است. آن گاه ضمن بحث از مدفن صدیقه طاهره علیها السلام از قبه اهل بیت علیهم السلام سخن گفته است. مشهد بعدی متعلق به ازواج است و پس از آن به قبر صفیه و مالک اشاره کرده است. وی از مشهد ابوسفیان بن حارث در خانه عقیل سخن گفته و روضه نزدیک مشهد عقیل را مدفن سه نفر از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله می داند. او قبر نافع را در سمت شمال شرق بقعه عقیل معرفی کرده، اما در صحت آن اظهار تردید کرده است. عباسی قبر عثمان را در منتهالیه شرق بقیع گفته و زیارتنامه مختصری نیز برایش ذکر کرده است. وی مشهد معروف به فاطمه بنت اسد را متعلق به سعد بن معاذ می داند. عباسی ضمن بیان روایتی قبر ابوسعید خدری را نیز در انتهای بقیع گزارش کرده است.

آخرین قبر نیز مربوط به اسماعیل است که در غرب مشهد عباس بوده و ورودی آن از داخل مدینه بوده است.

ذراع مدینه؛ فرشی باب دوم این کتاب را که بین سالهای ۱۰۳۷-۱۰۴۲ نگاشته شده، به بقیع اختصاص داده است (فرشی، ۱۳۹۵، صص ۹۸-۹۵). وی این بخش را با جناب فاطمه بنت اسد آغاز، و اقوال موجود درباره مدفن ایشان را ذکر کرده است. آن گاه ضمن تشکیک در اسلام و قبر حلیمه از مقبره او یاد کرده است. او بعد از معرفی مقبره جمعی از شهدای اُحد به قبه ابراهیم پرداخته و قبر یکی از دختران منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله و شش نفر دیگر از صحابه را نیز آنجا می داند. فرشی ضمن اشاره به قبه نافع، مدفونان را بین سه نفر مردد دانسته و سپس از قبه مالک و عقیل سخن گفته، اما مانند برخی دیگر در دفن عقیل در این قبه تشکیک کرده است. او که گوشه خانه عقیل را محل استجابت دعا می داند، می گوید: «در این مکان صفة بسته‌اند تا از سایر اماکن متمایز باشد». قبه بعدی مربوط به ازواج است و بعد از آن قبه بنات و عباس قرار دارد. وی قبر صدیقه طاهره علیها السلام را نیز در محراب این بقعه یا بیت الاحزان معرفی کرده است. گفتنی است که او رحلت و تجهیز و تکفین ایشان را نیز در همین خانه می داند. فرشی ضمن اشاره به قبه صفیه می گوید: قولی مدفن عاتکه را نیز اینجا می داند. آخرین قبه نیز از آن اسماعیل است. وی مسجد ابی بن کعب را محاذی قبه امهات و عقیل گزارش کرده است.

انس الساری و السارب ره آورد سفر حج محمد القیسی معروف به سراج یا ابن ملیح در سال ۱۰۴۰ قمری است. «زیارة البقیع و ما فیه من المشاهد» عنوان بخشی است که به توصیف این مکان مقدس پرداخته است (قیسی، ۱۹۶۸، ص ۱۱۵-۱۰۷). قیسی نیز همانند بسیاری دیگر از سفرنامه‌نویسان ابتدا به قبر صفیه و مالک اشاره کرده است. او بعد از ارائه توضیحاتی درباره مالک از قبه سفید ابراهیم سخن گفته است. پس از آن از روضه بزرگی که متعلق به دختران منسوب به پیامبر ﷺ است صحبت کرده و آن‌گاه به روضه عباس پرداخته است. از نکات این سفرنامه، گزارش او از قبر محمد بن حنفیه است که البته مکان دقیق آن را معرفی نکرده است. سپس نوبت به عثمان می‌رسد. قیسی قبه بزرگ وی را در انتهای بقیع معرفی کرده و گفته است: قبر فاطمه بنت اسد نیز نزدیک اوست. وی بعد از معرفی قبه نافع به قبر حلیمه سعدیه اشاره کرده است. قیسی قبر عقیل و روضه ازواج را کنار هم گفته و در پایان به قبر یکی از مشایخ صوفیه به نام عبدالکرم بن محمد بن ابی عمر القسطار اشاره کرده و گفته است: مزار او در بقیع، مشهور، و مورد زیارت و تبرک مردم است. او برای مالک، ابراهیم، عثمان، فاطمه بنت اسد، نافع، حلیمه سعدیه، عقیل و ازواج زیارتنامه آورده است.

الرحلة العیاشیة حاصل سفر طولانی عبدالله بن محمد عیاشی (د ۱۰۹۰ق) از فقیهان و عالمان مغرب اسلامی است که در سال ۱۰۷۲ قمری عازم سفر حج شده است. وی با عنوان «ذکر المشاهد التي تزار بمدینة علیه السلام»، مشاهد معروف و شناخته‌شده بقیع را معرفی کرده است (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، صص ۳۸۰-۳۷۶). او توصیف بقیع را از قبه صفیه آغاز کرده و سپس از مسجد کوچکی سخن گفته که گفته می‌شود محل دعای پیامبر بوده، اما از آن نامی نبرده است که گویا همان مسجد ابی بن کعب باشد. وی بعد از مشهد اسماعیل به توصیف گنبد اهل بیت ﷺ پرداخته و گفته است: بین قبه اهل بیت ﷺ و گوشه خانه عقیل به سمت شرق، مشاهد متعددی وجود دارد که عبارت‌اند از مشهد ازواج، مشهد منسوب به عقیل و مشهد منسوب به دختران پیامبر ﷺ و سپس از مشهد ابراهیم و مدفونان آن یاد کرده و آن‌گاه به توصیف گنبد عثمان و حلیمه و اطراف آنها پرداخته است. یکی دیگر از مشاهد متعلق به مالک است که کنار آن گنبدی است که گفته می‌شود برای نافع، غلام عمر یا نافع، قاری قرآن و یا متعلق

به برخی اولاد خلیفه دوم است. قبر جناب فاطمه بنت اسد نیز در انتهای بقیع است که عیاشی در صحت آن تردید کرده است.

قرن دوازدهم

الحقیقة و المجاز فی رحلة بلاد الشام و مصر و الحجازه این کتاب ره آورد سفر حج عبدالغنی نابلسی (د ۱۱۴۳ق) از عالمان و بزرگان مغرب اسلامی در سال ۱۱۰۵ قمری است. او که مکرر به زیارت بقیع رفته، در ابتدای مباحث مربوط به مدینه، گزارش کوتاهی از مشاهد معروف و مشهور بقیع در آغاز این قرن ارائه کرده است. از آنجا که گزارش او از این مشاهد همانند توصیفات قرن پیشین است و مطلب جدیدی ندارد، فقط به ذکر نام آنها اکتفا می‌کنیم:

۱. مشهد ابراهیم؛ ۲. مشهد عباس و امام حسن علیهما السلام؛ ۳. گنبد ازواج؛ ۴. مشهد صفیه (بنای بدون قبه)؛ ۵. مشهد مالک؛ ۶. گنبد کوچک و متوسطی متعلق به نافع (مردد بین سه نفر)؛ ۷. مشهد فاطمه بنت اسد؛ ۸. گنبد بزرگ عثمان؛ ۹. مشهد ابوسعید خدری؛ ۱۰. مشهد عقیل (نابلسی، ۱۹۹۸، ج ۳، صص ۱۳۵-۱۳۲).

الرحلة الحجازية سفرنامه حج ابن طیب الشرقی الفاسی در سال ۱۱۳۹ قمری است که توصیف او از بقیع شباهت زیادی به گزارش‌های قرن یازدهم دارد. او قبوری که استاد آنها به صاحب قبر مسلم نبوده با عبارت «المشهد المنسوب» ذکر کرده است. اماکنی که وی از آنها نام برده، بدین ترتیب است:

۱. قبه صفیه؛ ۲. مسجد بقیع؛ ۳. قبه اهل بیت علیهم السلام؛ ۴. مشهد ازواج؛ ۵. مشهد منسوب به عقیل؛ ۶. مشهد منسوب به دختران پیامبر صلی الله علیه و آله؛ ۷. مشهد ابراهیم (وی قبر فاطمه بنت اسد و دختران پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز اینجا می‌داند)؛ ۸. قبه عثمان؛ ۹. مشهد منسوب به حلیمه سعدیه؛ ۱۰. مشهد امام مالک؛ ۱۱. قبه منسوب به نافع؛ ۱۲. مشهد منسوب به فاطمه بنت اسد؛ ۱۳. مشهد منسوب به ابوسعید خدری (شرقی الفاسی، ۲۰۱۴، صص ۴۹۱-۴۸۴).

نزهة الانظار فی فضل علم التاريخ و الامصار سفرنامه حج حسین بن محمد ورثیلانی (د ۱۱۹۳ق) در سال ۱۱۷۹ قمری است که بیشتر بانام الرحلة الورثیلانیة

شناخته می‌شود. او در جزء دوم این کتاب به معرفی مشاهد بقیع پرداخته است. توصیفات ورثیلانی از بقیع عیناً همان توصیفات فاسی، و به همان ترتیب است. تنها نکته جدید این سفرنامه سخن او درباره نحوه چینش قبور سه امام مدفون در بقعه اهل بیت علیهم‌السلام است که ذکر آن با تعبیر «گفته می‌شود» نشان می‌دهد این موضوع حتی نزد خود او قطعی و مسلم نبوده است. او در پایان معتقد است از آنجا که انتساب برخی از قبور به صاحبان آنها قطعی نیست، لذا باید همه قبور بقیع را رجائی و به امید کسب برکت زیارت کرد (ورثیلانی، بی تا، ج ۲، صص ۵۳۷-۵۳۴).

الرحلة الحجازية سفرنامه حج حضیکی (د ۱۸۹ق) از فقیهان و محدثان مغرب اسلامی است. توصیفات او از بقیع با تفاوت بسیار کمی همچون دیگران است. او از قبه اسماعیل نیز سخن گفته است (حضیکی، ۱۴۳۲، صص ۱۶۲-۱۵۷).

قرن سیزدهم

مکناسی (د ۱۲۱۳ق) در سال ۱۲۰۰ قمری (مکناسی، ۲۰۰۳، صص ۲۶۱-۲۵۹)، بورکهارت (د ۱۸۱۷ق) در سال ۱۲۲۵ قمری (بورکهارت، ۲۰۰۷، ج ۲، صص ۱۴۶-۱۴۵)، برتون (د ۱۸۹۰ق) در سال ۱۲۶۸ قمری (برتون، بی تا، ج ۲، صص ۱۷۰-۱۶۶)، خیرات علی در سال ۱۲۸۹ قمری (علی حسین بن خیرات علی، ۱۳۸۹، صص ۷۱۸-۷۱۶)، افندی باش (د ۱۳۰۷ق) در سال ۱۲۹۰ قمری (افندی باش، ۲۰۰۸، صص ۴۵-۴۴) و صادق پاشا در سال ۱۲۹۷ قمری (صادق پاشا، ۱۹۹۹، ص ۱۲۹) سفرنامه‌نویسان این قرن هستند که مشاهد معروف و شناخته‌شده بقیع را همانند دو قرن گذشته گزارش کرده‌اند؛ با این تفاوت که برخی از ایشان به محلی مخصوص شهدای حره اشاره کرده‌اند (برتون، بی تا، ج ۲، ص ۱۷۰؛ بورکهارت، ۲۰۰۷، ج ۲، ص ۱۴۶؛ مکناسی، ۲۰۰۳، ص ۲۶۰) یا اینکه برخی از ایشان ساختمان یا وضع داخلی بقعه‌ها را دقیق‌تر از دیگران توصیف کرده‌اند. در جریان بازسازی بقعه‌های تخریب‌شده بقیع در سال ۱۲۲۱ قمری برای بیت‌الاحزان نیز گنبدی بنا می‌شود (کرناتکی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۵).

قرن چهاردهم

در این قرن نیز توصیف مشاهد مشهور و معروف بقیع توسط سفرنامه‌نویسان با تفاوت اندکی همانند قرن قبل است؛ برای اولین بار اندکی پیش از تخریب بقیع، برخی زائران، جناب ام‌البنین را نیز داخل قبه صفیه زیارت می‌کردند (تقوی قزوینی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۸؛ قشقایی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳).

جمع‌بندی توصیف‌های بقیع (از قرن دوم تا چهارم)

برخی توصیف‌های بقیع مبتنی بر مشاهدات نویسندگان است؛ مانند *وفاء الوفا*. اما برخی دیگر، توصیف سایر منابع را نقل کرده و در مواردی به آنها افزوده‌اند. گفتنی است که برخی از کتاب‌های گروه اخیر جزو منابع دست اول و مرجع به شمار می‌آیند؛ مانند *تحقیق النصره*. البته گزارش‌های این گروه گاهی با معایی روبه‌روست؛ برای مثال درحالی که *وفاء الوفا* در اواخر قرن نه از گنبد ازواج سخن گفته، *الدرر الفرائد* حدود یک قرن بعد، آن را مکانی با دیوار کوتاه سنگی توصیف کرده که مطابق توصیفات پیش از *وفاء الوفا* است.

دقت در این گزارش‌ها نشان می‌دهد گرایش‌های مذهبی در توصیف بقیع مؤثر بوده که به نمونه‌هایی از آن اشاره خواهیم کرد. البته در این بین، کسانی هم تلاش کرده‌اند بدون در نظر گرفتن تعلقات مذهبی به توصیف و گزارش بقیع پردازند که سمهودی یکی از این افراد است:

- در فاصله بین قرون ششم تا هشتم از بیت‌الاحزان هیچ نامی برده نمی‌شود.
- فقط در قرون اول، دوم، ششم و نهم به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام در بقیع اشاره شده است.
- گنبد اسماعیل در سال ۵۴۶ قمری به دستور ابن ابی‌الهیجاء بنا شده، اما نخستین بار حدود دو قرن بعد، مطری آن را گزارش کرده است.
- ابن شبه (د ۲۶۲ق) از مسجد ابی بن کعب سخن گفته، اما مکان آن را

مشخص نکرده است تا اینکه سخاوی (د ۹۰۲ق) اولین کسی باشد که جایی را به عنوان مکان این مسجد معرفی، و آدرس دقیق آن را بیان می کند (شمس الدین محمد بن عبدالرحمن سخاوی، ۲۰۰۹، ج ۱، ص ۱۱۷). موضوع وقتی جالب می شود که بدانیم ساختمان این مسجد در سال ۷۲۰ قمری بنا شده و تا قرن چهاردهم پا برجا بوده است (ایوب صبری پاشا، بی تا، ج ۴، ص ۹۵۱).

از مجموع آنچه بیان شد دانسته می شود در قرن اول و دوم به موازات توسعه ساخت و سازها در بقیع، مسلمانان به دفن امواتشان در بقیع نیز اهتمام داشته اند. در قرن سوم کماکان برخی افراد در بقیع ساکن بوده اند و مهم ترین بنای عمومی بقیع که مورد توجه ابن شبه نیز قرار گرفته، مسجد فاطمه علیها السلام است. در قرن چهارم کسی در بقیع ساکن نیست و تنها ساختمان این قبرستان، مسجد فاطمه علیها السلام است تا اینکه در اواخر قرن پنجم، اولین بقعه های بقیع بنا می شوند.

قرن ششم: ابن مازه در سال ۵۵۲ قمری سه قبه بقیع را گزارش کرده اما ۲۸ سال بعد، ابن جبیر از قبه مالک به عنوان چهارمین قبه بقیع سخن گفته است. ابن مازه از مکانی به نام «مسجد فاطمه علیها السلام» نام برده، اما ابن جبیر آن را «بیت الحزن» نامیده و آنجا را «بیت فاطمه علیها السلام» دانسته است؛ اما هروی از آن با عنوان «بیت الاحزان» یاد کرده و آن را مدفن فاطمه زهرا علیها السلام معرفی کرده است. نکته مهم در گزارش های این قرن، معرفی خانه امیرالمؤمنین علیه السلام در بقیع است.

قرن هفتم: هر چند در این قرن برای اولین بار از گنبد عقیل و فاطمه بنت اسد سخن به میان آمده، اما منابع این قرن به مسجد فاطمه علیها السلام یا بیت الاحزان یا خانه امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ اشاره ای نکرده اند.

قرن هشتم: الروضة الفردوسية، التعریف، تحقیق النصره، بهجة النفوس و المغانم جزو مهم ترین منابع تاریخ مدینه هستند. هر چند الروضة بخشی از مطالبش را از اتحاف الزائر نقل کرده است، اما اضافات قابل توجهی هم دارد. التعریف تا حدی از الدرة الثمینة تأثیر پذیرفته است. تحقیق النصره و بهجة النفوس علاوه بر اتکای زیاد به التعریف نگاهی هم

به الدرّة الثمينة دارند؛ از این رو هر چند مطالبشان بسیار شبیه یکدیگر است، اما هر کدام مطلب جدیدی نیز دارند. الروضة جایی را به عنوان مدفن ازواج النبی ﷺ معرفی کرده و مطری برای اولین بار از دیوار سنگی کم ارتفاعی دور این مزار خبر داده است. بنای روی قبر صفیه را نیز اولین بار همو گزارش کرده است. هر چند المعانم بعد از دو قرن از بیت الحزن سخن گفته، اما در تطبیق آن اشتباه کرده است. در این قرن نیز کسی از مسجد بقیع یاد نکرده است.

قرن نهم: توصیفات خوارزمی در ابتدای این قرن با آنچه التعریف گفته است، مطابقت دارد و این یعنی یا در این مدت در بقیع تغییری حاصل نشده و یا او مطالبش را عیناً از مطری نقل کرده است. تنها نکته جدید خوارزمی که برای نخستین بار مطرح شده، معرفی قبر عاتکه است. توصیفات سخاوی نیز نکات جدیدی دارد:

نام بردن از قبه نافع، معرفی مزار صدیقه طاهره رضی الله عنها در قبه اهل بیت رضی الله عنهم، و اعلام مدفن فاطمه بنت اسد و شش نفر از صحابه در کنار ابراهیم. مقایسه مطالب سخاوی و سمهودی نشان می‌دهد وفاء الوفا متأخر از التخفه است. سمهودی مهم‌ترین شخصیت این قرن و قرون بعدی است که کتابش مرجع و مستند کتاب‌های پس از او شده است. وی در این کتاب از مطری، مراغی و فیروز آبادی بسیار بهره برده و در عین حال کتابش مملو از مطالب تازه است: نفی صریح قبه منسوب به فاطمه بنت اسد در انتهای بقیع، توصیف و بیان موقعیت جغرافیایی بیت الاحزان بعد از چهار قرن، بیان نظریه جدید در مورد صاحب قبه کنار مالک، معرفی قبه ازواج برای اولین بار، اشاره به قبه خراب منسوب به فرزندان پیامبر رضی الله عنه برای اولین بار و تردید در صحت انتساب آن، گزارش وجود چهار بنا در شرق و غرب بقعه اهل بیت رضی الله عنهم، معرفی بنایی در شمال غرب بقعه عثمان، و توصیف خانه امیر المؤمنین رضی الله عنه در بقیع بعد از حدود سه قرن.

قرن دهم: ابن حجر در صحت انتساب قبه فاطمه بنت اسد و عقیل تردید دارد و اولی را متعلق به سعد معاذ و دومی را مربوط به ابوسفیان حارث می‌داند. تنها تفاوت دیار بکری

با انصاری نیز معرفی بیت الاحزان است؛ و گرنه در سایر موارد شبیه هم هستند. مجموعاً در این دوره مطلب جدیدتری نسبت به قرن پیشین به چشم نمی‌خورد.

قرن یازدهم: در این قرن هیچ کس درباره بیت الاحزان صحبت نکرده است. توصیف سید کبریت از بقیع همانند دیار بکری است؛ با این تفاوت که او اولین نفری است که از مسجد ابی بن کعب سخن گفته است.

گزارش عباسی مشابه توصیفات سمهودی است؛ با این تفاوت که از خانه امیرالمؤمنین علیه السلام صحبت نکرده و برای اولین بار جایی را به عنوان مقبره ابوسعید خدری معرفی کرده است. گزارش فرشی سه نوآوری دارد: ذکر قبه صفیه، بیان جایی به عنوان قبر حلیمه (هرچند در صحت آن تردید دارد) و بیان مکانی به عنوان مزار شهدای احد. بعد از سمهودی (اواخر قرن نهم) فرشی اولین کسی است که از قبه ازواج مجدداً سخن گفته است. گفتنی است که او نیز به مسجد ابی بن کعب اشاره کرده است. درحالی که گزارش قیسی مطلب جدیدی ندارد، اما عیاشی مشابه سمهودی سخن گفته است؛ با این تفاوت که به جای خانه امیرالمؤمنین علیه السلام از مسجد ابی بن کعب صحبت کرده و به مقبره حلیمه سعدیه هم اشاره دارد.

قرن دوازدهم: توصیف بقیع در این قرن مشابه قرن یازدهم است. شاید تردید ابن طیب فاسی در صحت انتساب برخی بقعه‌ها به صاحبان آنها و نیز نظر ورثیلانی درباره نحوه چینش قبور اهل بیت علیهم السلام تنها تمایز نوشته‌های این قرن با پیشینیان باشد.

قرن سیزدهم و چهاردهم: تعداد بقعه‌های بقیع در این دو قرن تغییری نداشته است.

نتیجه‌گیری

در فاصله قرن اول تا چهارم، برخی افراد در بقیع ساکن بودند و دفن اموات و بنای ساختمان در بقیع هم‌زمان باهم بوده است. البته به نظر می‌رسد از نیمه‌های قرن دوم به بعد، به مرور دفن اموات از سکونت در بقیع پیشی گرفته است. در فاصله قرن سوم تا پنجم، تنها ساختمان گزارش شده بقیع، مسجد فاطمه علیه السلام است.

ساخت و ساز در بقیع در طول تاریخ اسلام پنج مرحله داشته است: در مرحله اول ساختمان‌های بقیع از کاربری مسکونی به بناهایی برای تکریم و بزرگداشت مدفونان بقیع تغییر شکل داده است (از خانه به بقعه)؛ در مرحله دوم بناهای یادبود از نظر کمی توسعه یافته است؛ در مرحله سوم زیربنای برخی از همین ساختمان‌ها گسترش یافته است؛ در مرحله چهارم مسلمانان به حفظ و نگهداری این بناها اهتمام ورزیده‌اند، به گونه‌ای که ساختمان‌های بقیع در طول تاریخ بارها مرمت و بازسازی شده‌اند؛ مرحله پنجم نیز تزئین و آراستن برخی از بقعه‌های بقیع است.

گنبد و بارگاه‌هایی که به مرور زمان برای برخی قبور بقیع بنا شده، سه دسته‌اند: اول آنهایی که انتساب قبر به صاحب گنبد، قطعی است؛ دوم گنبدهایی که در صحت انتساب آنها به صاحب قبر تردید شده است؛ دسته سوم گنبدهایی که قبر صاحب قبه، سابقه چندانی ندارد و در قرون متأخر پیدا شده است.

دسته‌بندی گنبد‌های بقیع از حیث صحت انتساب آنها به صاحب قبه		
قبوری که در قرون متأخر پیدا شده	مردد	قطعی
قبه نافع	قبه بنات	قبه اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
قبه حلیمه	قبه ازواج	قبه ابراهیم
قبه ابوسعید خدری	قبه عقیل	قبه اسماعیل
	قبه بنت اسد	قبه مالک
		قبه صفیه
		قبه عثمان

هرچند کتاب‌های تاریخ مدینه به آغاز ساخت گنبد در بقیع اشاره‌ای نکرده‌اند، اما ساخت گنبد از اواخر قرن پنجم آغاز شده و تا قرن سیزدهم ادامه داشته است و تقریباً عمده قبور معروف و قطعی بقیع تا پایان قرن هفتم گنبد داشته‌اند.

در قرن‌های هشتم، دوازدهم و چهاردهم هیچ گنبد جدیدی به قبه‌های بقیع افزوده نشده است. سیر پیدایش گنبدها طبق جدول زیر است:

تاریخ ساخت گنبدهای بقیع					
قرن ۵	قرن ۶	قرن ۷	قرن ۹	قرن ۱۱	قرن ۱۳
امام حسن <small>علیه السلام</small>	اسماعیل	بنت اسد	بنات	صفیه	بیت الاحزان
ابراهیم	مالک	عقیل	ازواج	حلیمه	
عثمان			ابی شحمه	ابوسعید خدری	

یکی از مسائل جالب توجه در بقیع، پیدایش قبرهایی است که بعد از چند قرن برای آنها گنبد و بارگاه ساخته شده است. محل دفن برخی از صاحبان این قبرها در منابع تاریخی ذکر شده، مانند دختران منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله یا همسران ایشان. اما محل دفن برخی صاحبان این قبرها اساساً مشخص نیست؛ مانند حلیمه یا ابوسعید خدری. برخی از قبرهایی که بعد از پیدایش مورد توجه قرار گرفتند، از این قرارند:

- ابن جبیر قبور متعلق به فرزندان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را گزارش کرده است. در قرن هفتم این قبرها گزارش نشده، اما در ابتدای قرن هشتم، تاج المفرق آنها را متعلق به سه نفر از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته و در انتهای همین قرن، فیروز آبادی گفته است که آنها متعلق به فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند تا اینکه در اواخر قرن نهم سمهودی گنبد خراب آنها را گزارش کرده و در نهایت ذراع مدینه در سال ۱۰۳۸ قمری رسماً از قبه‌ای منسوب به دختران پیامبر صلی الله علیه و آله در بقیع سخن گفته است.
- ابن جبیر از قبوری منسوب به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله سخن گفته است. در قرن هشتم مطری دیوار سنگی کم ارتفاع دور آنها را گزارش کرده، تا اینکه نهایتاً در نیمه دوم قرن نهم گنبدی چوبی بر فراز آنها ساخته شده که بعدها به ساختمانی با گنبد آجری تبدیل شده است.
- سمهودی در اواخر قرن نهم یک چهاردیواری را در شمال غرب بقعه

عثمان گزارش کرده که زن ام‌ولدی در آن دفن شده است. فرشی در اوایل قرن یازدهم با تردید از قبری منسوب به حلیمه در شمال غرب بقعه عثمان سخن گفته است. کمی بعد انس الساری از روضه حلیمه سخن گفته و نهایتاً در اواخر قرن یازدهم عیاشی قبه حلیمه را گزارش کرده است.

○ عباسی در سال ۱۰۳۵ قمری برای اولین بار مقبره ابوسعید خدری را در انتهای بقیع گزارش کرده و پس از او در قرون بعدی از این مقبره سخن گفته شده است.

پس از پایان عصر سکونت در بقیع، تعداد بناهای بقیع از یک عدد در قرن سوم به پانزده عدد در قرن یازدهم افزایش یافته و تا زمان تخریب بقیع در قرن چهاردهم به همین تعداد باقی مانده است.

گاهی تاریخ‌نگاران مدینه یا سفرنامه‌نویسان، برخی ساختمان‌های بقیع را گزارش نکرده‌اند؛ درحالی‌که قرائن و شواهد حاکی از وجود این بناها در بقیع است. بنابراین تعداد قبه‌ها و ساختمان‌های بقیع در قرون مختلف بدین شرح است:

تعداد ساختمان‌ها و گنبد‌های بقیع در قرون مختلف								
قرن	سه و چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه و	یازده و دوازده	سیزده
گنبد	۰	۳	۵	۷	۷	۱۰	۱۳	۱۴
ساختمان	۱	۱	۲	۰	۳	۳	۲	۱
مجموع	۱	۴	۷	۷	۱۰	۱۳	۱۵	۱۵

همان‌طور که در جدول نیز پیداست، مسلمانان به ساخت گنبد اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند؛ چراکه پس از گزارش اولین گنبد‌های بقیع در قرن پنجم، تعداد آنها از سه عدد، به چهارده عدد در قرن سیزدهم افزایش یافته است.

تنها بنایی در بقیع که تقریباً در طول تاریخ اسلام در بقیع وجود داشته، مسجد فاطمه علیها السلام یا بیت‌الاحزان است.

١. آقشهرى، محمد بن احمد بن امين، ٢٠١٠، الروضة الفردوسية و الحضرة القدسية، تحقيق قاسم السامرائى، لندن - انكليس، مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامى.
٢. ابن بطوطه، محمد بن عبد الله، ١٤١٧، تحفة النظر فى غرائب الأمصار و عجائب الأسفار، تصحيح عبدالهادى التازى، رباط - مغرب، مطبوعات اكاديمية المملكة المغربية.
٣. ابن جبير، محمد بن احمد، ٢٠٠٨، تذكرة بالأخبار عن اتقافات الأسفار، بيروت، المؤسسة العربية للدراسات و النشر - دار السويدى.
٤. ابن حائك، حسن بن احمد، ١٤٢٥، الإكليل من أخبار اليمن و أنساب حمير، تحقيق محمد بن على اكوع حوالى، صنعاء، وزارة الثقافة و السياحة.
٥. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، ١٤١٥، الإصابة فى تمييز الصحابة، بيروت، دار الكتب العلمية.
٦. ابن زباله، محمد بن الحسن، ٢٠٠٣، اخبار المدينة، تحقيق صلاح عبدالعزيز زين السلامه، مدينه منوره، مركز بحوث و دراسات المدينه المنوره.
٧. ابن سعد، محمد بن سعد، ١٤١٠، الطبقات الكبرى، تحقيق محمد عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية.
٨. ابن شبه نميرى، عمر، ١٤١٠، تاريخ المدينة المنورة، تصحيح فهيم محمد شلتوت، قم، دار الفكر.
٩. ابن عساكر، على بن حسن، ١٤١٥، تاريخ مدينة دمشق. بيروت، دار الفكر.
١٠. ابن عساكر الدمشقى، عبد الصمد بن عبد الوهاب، بى تا، إتخاف الزائر و إطراف المقيم للسائر فى زيارة النبى ﷺ، تحقيق حسين محمد شكرى، شركة دار الأرقم بن أبى الأرقم.
١١. ابن مازه، محمد بن عمر، ١٣٩٢، لطائف الاذكار، تصحيح رسول جعفریان، تهران، نشر علم.
١٢. ابن نجار، محمد بن محمود بن الحسن، ٢٠٠٦، الدررة الثمينه فى اخبار المدينة، تصحيح صلاح الدين بن عباس شكر، مركز بحوث و دراسات المدينه المنوره.
١٣. ابوالعباس الحسنى، احمد بن ابراهيم، بى تا، المصاييح فى السيرة، تحقيق عبد الله بن عبد الله الحوثى، يمن.

۱۴. ابوطالبي، عمار، ۱۳۹۸، واكاوى جاىگاه فرهنگى و تمدنى بقیع، رساله دكتورا، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۵. اسکندری، نصر بن عبد الرحمن، بی تا، الأمکنة و المیاه و الجبال و الآثار و نحوها المذكورة فى الأخبار و الآثار، ریاض، مرکز الملك فیصل للبحوث و الدراسات الإسلامیه.
۱۶. افندی باش، شیخ عبدالله، ۲۰۰۸، الفتوحات الكوازیه الی الاراضی الحجازیه، بیروت، الدار العربیه للموسوعات.
۱۷. الجاسر، حمد، ۱۳۹۳، «وصف مكة و وصف المدينة المطیبة و وصف بیت المقدس»، مجلة العرب، شماره ۵ و ۶ و ۸.
۱۸. العیاشی، ابراهیم بن علی، ۱۳۹۲، المدينة بین الماضی و الحاضر، مدینه منوره، المكتبة العلمیه.
۱۹. انصارى الجزیری، عبدالقادر بن محمد، ۱۳۸۴، الدرر الفرائد المنظمة فى اخبار الحجاج و طریق مكة المعظمة، قاهره، المطبعة السلفیه.
۲۰. انصارى، حسن، بی تا، «ابن نجار، ابو عبدالله»، در: دانشنامه بزرگ اسلامى (ج ۵، ص ۱۸۵۴). تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامى.
۲۱. ایوب صبرى پاشا، بی تا، مرآت الحرمین، قسطنطنیه، بحریه.
۲۲. برتون، ریچارد ف، بی تا، رحلة بیروتون الی مصر و الحجاز، تحقیق عبدالرحمن عبدالله الشیخ، قاهره، الهیئة المصریه العامة للكتاب.
۲۳. بلوى، خالد بن عیسی، بی تا، تاج المفرق فى تحلیه علماء المشرق، تحقیق حسن السائح، محقق، مغرب، صندوق احیاء التراث الاسلامى.
۲۴. بورکهارت، جون لوئیس، ۲۰۰۷، ترحال فى الجزيرة العربیه، ترجمه صبرى محمد حسن و عرب محمد صابر، قاهره، المركز القومى للترجمه.
۲۵. بیهقی، احمد بن حسین بن علی، ۱۴۲۴، السنن الکبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۶. تقوى قزوینى، سیدمحمد، ۱۳۷۴، سفرنامه عتبات هند و حج، تصحیح محمدعلی باقرزاده، تهران، مشعر.
۲۷. حسکانى، عبیدالله بن عبدالله. بی تا، شواهد التنزیل لقواعد التفضی، تهران، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى، مؤسسة الطبع و النشر.

۲۸. حسینی مدنی، محمد کبریت، ۱۴۱۷، الجواهر الثمينة في محاسن المدينة، بيروت، دار الكتب العلمية.
۲۹. حضيكي، احمد بن محمد، ۱۴۳۲، الرحلة الحجازية، تحقيق عبدالعالي المدبر، الرباط، مركز الدراسات و الابحاث و احياء التراث الرابطه المحمديه للعلماء.
۳۰. خامه يار، احمد، بی تا، بررسی و مقایسه دو متن کهن متعلق به مغرب اسلامی در توصیف حرمین، در دست چاپ.
۳۱. خوارزمی، محمد بن اسحاق، بی تا، إثارة الترغيب و التشويق إلى المساجد الثلاثة و البيت العتيق، مکه مکرمه - عربستان، مكتبة نزار مصطفى الباز.
۳۲. دیاربکری، حسین بن محمد، بی تا، تاریخ الخميس فی أحوال أنفس النفیس، بیروت، دار صادر.
۳۳. سخاوی، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن، ۲۰۰۹، التحفة اللطيفة فی تاریخ المدينة الشريفة، مدینه منوره، مرکز بحوث و دراسات المدینة المنورة.
۳۴. سمهودی، نورالدین علی بن عبدالله، ۲۰۰۱، وفاء الوفا باخبار دار المصطفى، تحقيق قاسم السامرائی، مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامی.
۳۵. شرقی الفاسی، ابی عبدالله محمد بن الطیب، ۲۰۱۴، الرحلة الحجازية، تحقيق نورالدین شوبد، محقق، ابوظبی، دار السويدي للنشر و التوزيع.
۳۶. صادق پاشا، محمد، ۱۹۹۹، مشعل المحمل، تحقيق محمد همام فكري، بیروت، بدر للنشر و التوزيع.
۳۷. عباسی، احمد بن عبدالحمید، بی تا، عمدة الاخبار فی مدينة المختار، تصحيح محمد طيب الانصاري، مدینه منوره، اسعد درابزونى الحسينی.
۳۸. عبدالجلیل قزوینی، عبدالجلیل بن ابوالحسین، ۱۳۵۸، نقض معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض (بعض فضایح الروافض)، تهران، انجمن آثار ملی.
۳۹. عبدری، محمد بن محمد، ۱۴۱۹، رحلة العبدري، تحقيق علی ابراهيم كردی، دمشق، دار سعد الدين للطباعة و النشر.
۴۰. علی حسین بن خیرات علی، ۱۳۸۹، منازل قمرية در سوانح سفريه، تهران، نشر علم.
۴۱. عیاشی، عبدالله بن محمد، ۲۰۰۶، الرحلة العیاشية، تصحيح سعید الفاضلی، ابوظبی، دار السويدي للنشر و التوزيع.

۴۲. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، بی تا، احیاء علوم الدین، بیروت، دار الکتب العربی.
۴۳. فرشی، ۱۳۹۵، ذراع مدینه. قم، نشر مؤرخ.
۴۴. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، ۲۰۰۲، المغانم المطابفة فی معالم طاب، مدینه منوره، مرکز بحوث و دراسات المدینه المنوره.
۴۵. قشقای، ایاز خان، ۱۳۸۸، سفرنامه حج، تصحیح پرویز شاکری، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۴۶. قیسی، ابی عبدالله محمد بن احمد، ۱۹۶۸، انس الساری و السارب من اقطار المغرب الی منتهی الآمال و المآرب سید الاعاجم و الاعارب، تصحیح محمد الفاسی، فاس.
۴۷. کاتب، عماد الدین، ۱۴۲۵، تاریخ دولة آل سلجوق، تحقیق یحیی مراد، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۴۸. کرناککی، حافظ محمد عبدالحسین، ۱۳۸۹، تذکرة الطریق، تصحیح رسول جعفریان، تهران، نشر علم.
۴۹. کعکی، عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن ابراهیم، ۲۰۱۲، معالم المدینة المنورة بین العمارة و التاريخ الجزء الخامس، مدینه منوره، شركة سروات للطباعة و النشر.
۵۰. کعکی، عبدالعزیز بن عبدالرحمن، بی تا، معالم المدینة المنورة بین العمارة و التاريخ الجزء الثالث تاریخ و عمارة الحصون و الآطام، بیروت، دار و مكتبة الهلال.
۵۱. محلی، حمید بن احمد، ۱۴۲۳، الحدائق الوردية فی مناقب الأئمة الزيدية، تصحیح مرتضى بن زيد محطوری، صنعا - یمن، مكتبة بدر.
۵۲. مراغی، زین الدین ابی بکر بن الحسین، ۱۴۳۰، تحقیق النصرة بتلخیص معالم دار الهجرة، تحقیق ابو یعقوب نشأت کمال، فیوم - مصر، دار الفلاح للبحث العلمی و تحقیق التراث.
۵۳. مرجانی، عبدالله بن عبدالملک، بی تا، بهجة النفوس و الاسرار فی تاریخ دارالهجرة النبوی المختار، تحقیق محمد عبدالوهاب فضل، بیروت، دار الغرب الاسلامی. (نشر اثر اصلي ۲۰۰۲)
۵۴. مستوفی، حمد الله بن ابی بکر، ۱۳۶۴، تاریخ گزیده، تحقیق عبدالحسین نوابی، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

٥٥. مطرى، جمال الدين محمد بن احمد، ١٤٢٦، التعريف بما انست الهجرة من معالم دار الهجرة، سليمان الرحيلي، رياض، دار الملك عبدالعزيز.
٥٦. مغلطاي بن قليج بن عبد الله البكجري ابو عبدالله، علاء الدين، ١٤٢٢، إكمال تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، تحقيق أبو عبدالرحمن عادل بن محمد، الفاروق الحديثة للطباعة والنشر.
٥٧. مفيد، محمد بن محمد، ١٣٧٢، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم، المؤتمر العالمى لألفية الشيخ المفيد.
٥٨. مكناسى، محمد بن عبدالوهاب، ٢٠٠٣، رحلة المكناسى، تصحيح محمد بوكبوط، ابو ظبى، دار السويدى للنشر و التوزيع.
٥٩. نابلسى، عبدالغنى، ١٩٩٨، الحقيقة و المجاز فى رحلة بلاد الشام و مصر و الحجاز، تصحيح رياض عبدالحميد مراد، دار المعرفة.
٦٠. نجاشى، احمد بن على، ١٣٦٥، رجال النجاشى، قم، جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامى.
٦١. ورثيلانى، حسين بن محمد، بى تا، الرحلة الورثيلانية الموسومة بنزهة الأنظار فى فضل علم التاريخ و الأخبار، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية.
٦٢. هروى، على بن ابوبكر، بى تا، الإشارات إلى معرفة الزيارات، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية.
٦٣. هيتمى، احمد بن حجر، ١٤٣٤، الجوهر المنظم فى زيارة قبر الشريف النبوى المكرم، بيروت، دار الحاوى.